

حضور امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس (قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی)

دکتر خسرو خوانساری^۱

چکیده

در این مقاله ضمن بررسی علل و انگیزه‌های حضور بیگانگان در خلیج فارس، در طول چند قرن اخیر، در نظر است، نگاهی گذرا به حضور انگلیسیها در خلیج فارس در خلال قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی داشته باشیم. خلیج فارس بعنوان آبراه بین شرق و غرب از دیرباز مورد توجه بیگانگان بود؛ ولی در قرن نوزدهم اهمیت سیاسی و نظامی نیز بر آن افزوده شد. در واقع جایگاه ویژه و اهمیت بین‌المللی خلیج فارس در دوره مورد نظر، معلول حضور استعمارگران اروپایی، بویژه بریتانیا، در این منطقه بعلت حفظ منافع این امپراتوری در هند بود. با مروری بر تحولات خلیج فارس در دو قرن اخیر، در می‌یابیم که بریتانیا برای حفظ منافع خود در این منطقه از انجام هیچ اقدامی دریغ نکرده است. به همین سبب در طول قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم، بریتانیا قدرت برتر منطقه بشمار میرفت. بطور کلی حضور امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس به سه دوره تقسیم میشود: ۱. دوره آغاز نفوذ (قرن هفدهم میلادی)؛ ۲. دوره گسترش نفوذ (قرن هجدهم میلادی)؛ ۳. دوره تثبیت نفوذ (قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی). شرح و بررسی هر یک از دوره‌های مذکور بدنه اصلی مقاله را تشکیل داده و کوشش شده است تا برای تبیین بهتر مطلب از منابع و مراجع اصلی موضوع مورد نظر استفاده شود.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ بریتانیا؛ استعمار؛ کمپانی هند شرقی؛ لرد کرزن
مقدمه
بدون تردید خلیج فارس در طول تاریخ همواره یک آبراه مهم بشمار میرفته و از نظر تجاری و سیاسی مورد توجه کشورهای خارجی و بویژه اروپاییان بوده است. در این مقاله ضمن بررسی علل توجه بیگانگان به خلیج فارس، در طول چند قرن اخیر، در نظر داریم، نگاهی گذرا به حضور انگلیسیها در خلیج فارس در خلال قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی بیندازیم.

یکی از مهمترین دلایل توجه بیگانگان به خلیج فارس، فتح قسطنطنیه به وسیله سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م بود که بدنبال آن امپراتوری عثمانی توانست سلطه چشمگیری بر شریانهای تجاری منطقه داشته باشد. بنابراین در قرن شانزدهم میلادی، شاهد اولین تلاشهای استعماری غربیان برای کشف راههای جدید هستیم که در این میان، پرتغال بعنوان نخستین قدرت اروپایی پیشتاز بود. سایر دلایل اهمیت خلیج فارس در نزد دولت‌های اروپایی عبارتند از: موقعیت سوق الجیشی و حساس این آبراه، وضعیت تجاری آن و بعدها منابع طبیعی و ذخایر عظیم انرژی (جعفری مذهب، ۱۳۹۰: ۱۰۹) که در ادامه مقاله بدانها اشاره خواهد شد.

پس از پرتغال، خلیج فارس بتدریج مورد توجه سایر قدرتهای اروپایی قرار گرفت تا اینکه سرانجام بریتانیا از اوایل

۱. پژوهشگر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری؛

الف) صادرات ابریشم ایران که تا آن زمان از مسیر حلب صورت می‌گرفت، در پی این معاضدت بطرف خلیج فارس تغییر مسیر داد تا از این طریق درآمد گمرکی دولت عثمانی کاهش یابد؛

ب) شاه‌عباس، به منظور اعمال حاکمیت بر جزایر و سواحل خلیج فارس در مقابل پرتغال، به همکاری کمپانی هند شرقی نیاز داشت (همان: ۲۳۳).

به همین دلیل در هشتم ژانویه ۱۶۲۲ م. پیمان نظامی بین دولت ایران و کمپانی هند شرقی، برای اخراج پرتغالیها از جزیره هرمز به امضا رسید و دیری نگذشت که حمله مشترک بر علیه قوای پرتغال آغاز شد که متعاقب آن در ۲۳ آوریل ۱۶۲۲ م. نیروهای پرتغالی شکست خوردند و پرچم آنها بعد از ۱۰۰ سال از بلندای هرمز به پایین کشیده شد. بدنبال پایان حضور پرتغالیها در خلیج فارس، گمرک هرمز به بندرعباس انتقال یافت و مقامات کمپانی هند شرقی نیز مرکز تجاری خود را از جاسک به بندرعباس منتقل کردند و در پی آن، شعبه‌یی هم در بندر بصره ایجاد کردند (امین، ۱۳۸۹: ۸-۹).

دوره گسترش نفوذ بریتانیا در خلیج فارس

بدون تردید مجموعه تحولات منطقه خلیج فارس، در قرن هجدهم میلادی، نظیر حمله افغانها به ایران؛ سقوط سلسله صفویه؛ ظهور «طوایف قاسمی» در صحنه خلیج فارس و تمایل کریمخان زند به توسعه بازرگانی خارجی، منجر به افزایش نفوذ انگلستان در خلیج فارس شد. کریمخان با انعقاد قراردادی با مقامات ارشد کمپانی هند شرقی، اجازه احداث تجارتخانه بزرگی را در بوشهر به آنها داد. متعاقب امضای این قرارداد در سال ۱۷۶۲ م، اقامتگاه نماینده سیاسی بریتانیا به بوشهر انتقال یافت (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۲). این نمایندگی محل تمرکز و سازماندهی فعالیتهای سیاسی، تجاری و اجتماعی بریتانیا در حوزه خلیج فارس محسوب می‌شد. وجود گزارشهای متعدد و مفصل نمایندگی مقیم در بوشهر، نشانگر دقت عمل این نمایندگی در کار خود و نظارت بر فعالیتهای رقبا، برای جلوگیری از نفوذ آنها بود. بدین ترتیب کمپانی هند شرقی که ابتدا هدفهای تجاری را دنبال میکرد، بتدریج

قرن هفدهم میلادی به خلیج فارس راه یافت. از آنجایی که این آبراه، دروازه ورود به هندوستان تلقی میشد به منظور حفظ و حراست از راههای منتهی به هند، تسلط بر این منطقه حساس، برای بریتانیا اهمیت حیاتی یافت.

بطور کلی حضور امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس را به سه دوره میتوان تقسیم کرد:

دوره آغاز نفوذ (قرن هفدهم میلادی)؛

دوره گسترش نفوذ (قرن هجدهم میلادی)؛

دوره تثبیت سلطه‌گری (قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی).

دوره آغاز نفوذ بریتانیا در خلیج فارس

همانگونه که پیشتر اشاره شد از اوایل قرن هفدهم میلادی، بریتانیا به خلیج فارس راه یافت. آغاز فعالیتهای تجاری آن کشور به اولین تکاپوهای «کمپانی هند شرقی»^۱ باز میگردد که در سال ۱۶۰۰ م. با فرمان ملکه الیزابت اول تأسیس شد؛ البته فعالیت این شرکت با رقابت کشورهای رقیب روبرو شد؛ ولی با این حال کمپانی هند شرقی بریتانیا، توانست فعالیتهای خویش را در حوزه خلیج فارس گسترش دهد (امین، ۱۳۶۷: ۶). به بیان دیگر در این دوره، کمپانی هند شرقی، نماینده سیاستهای بین‌المللی دولت بریتانیا محسوب میشد و هرگونه رقابت خارجی با این شرکت، به مثابه رویارویی با سیاست و حکومت آن امپراتوری بشمار میرفت.

در سال ۱۶۱۶ م. کمپانی هند شرقی از شاه‌عباس اول فرمانی را دریافت کرد که بر اساس آن اجازه تجارت در داخل ایران را به آنان واگذار کرده بود و ورود نمایندگان کمپانی مذکور را به هر یک از بنادر ایران مجاز میدانست. سه سال بعد این کمپانی، تجارتخانه‌یی را در بندر جاسک دایر کرد. علت انتخاب این بندر آن بود که علاوه بر نزدیکی به تنگه هرمز، دفاع از آن را در برابر حملات نیروی دریایی پرتغال آسانتر میکرد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). این دلایل شاه عباس اول را مجبور به همکاری با کمپانی هند شرقی کرد:

1. British East India Company

از طرف دیگر افزایش سریع حجم مبادلات تجاری بریتانیا، لزوم مبارزه با دزدان دریایی را آشکار میساخت. وجود رقبایی چون فرانسه، روسیه و آلمان باعث شد تا بریتانیا به شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس نزدیک شده و با آنان متحد شود (مروتی، ۱۳۹۰: ۳۴۷).

انگلیس برای افزایش قدرت خویش در خلیج فارس، بیشتر مایل بود با امیرنشینهای کوچک روبرو شود تا با یک قدرت بزرگ در منطقه. بدین منظور معاهداتی را با شیوخ عرب خلیج فارس منعقد کرد. بر اساس این توافقها، همه شیوخ در برابر بریتانیا متعهد به جلوگیری از جنگ و خونریزی شدند و در صورت بروز اختلاف، نمایندگی سیاسی مقیم بریتانیا را در جریان امر قرار دهند. همچنین برطبق این قراردادهای اسارت‌بار، انگلیسیها اجازه یافتند تا زمان وجود اغتشاش و ناامنی در خلیج فارس، به حضور نظامی خود در «رأس الخیمه» (که به مثابه مدخل خلیج فارس بود) ادامه دهند. همچنین به موجب این قراردادها انگلیسیها اجازه داشتند در هر حادثه‌یی که در سواحل خلیج فارس روی میداد، دخالت کنند. بدین ترتیب شیخ‌نشینها بطور رسمی تن به پذیرش تحت‌الحمایگی بریتانیا دادند. همه این اقدامات برای حفاظت از حمل و نقل دریایی و جلوگیری از نفوذ رقبا در خلیج فارس و هندوستان بود. لرد پالمستون^۲ (وزیر خارجه وقت بریتانیا) در سال ۱۸۳۸ م. یادآور شد که:

«ما وظیفه داریم خلیج فارس را زیر سلطه نیروی دریایی خود درآوریم؛ بطوری که هیچ قدرتی نتواند با ما به رقابت برخیزد؛ البته در این راه باید روشی اتخاذ کنیم که گران نباشد».

انعقاد قراردادها باعث شد، بریتانیا در منطقه، قدرتی انحصاری محسوب شود. این در حالی بود که اعراب حق واگذاری هیچ بندر یا امتیازی را، بدون کسب مجوز از بریتانیا نداشتند. بدین ترتیب بریتانیا در دریا نظارت میکرد و اعراب در خشکی، حافظ منافع این کشور بودند.

برای تأمین منافع بازرگانی خود دست به اقدامات سیاسی زد (حسن‌نیا و قاسمیان، ۱۳۹۰: ۳۰۲).

در این دوره، شاهد افول و بلکه خاتمه سلطه و نفوذ هلندیها در خلیج فارس هستیم و بدین ترتیب یکی دیگر از موانع عمده تسلط انگلستان در خلیج فارس از سر راه برداشته شد. بتدریج در نیمه قرن هجدهم، تمام مستملکات فرانسه و هلند در منطقه، به کمپانی هند شرقی بریتانیا واگذار شد و انگلستان مبدل به قدرت مطلق و بدون رقیب در هندوستان شد (کامرانی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۲۹). این موضوع اهمیت خلیج فارس را برای انگلیسیها از نظر اقتصادی و مواصلاتی افزون ساخت؛ چرا که زمان تقریبی سفر کشتیها از حلب (با انتخاب مسیر بصره - خلیج فارس به هند) پنج ماه و از طریق دماغه «امیدنیک»^۱ حدود یازده ماه به درازا میکشید؛ بعبارت دیگر استفاده از راه ارتباطی خلیج فارس، شش ماه از این مدت میکاست و قطعاً از نظر اقتصادی بسیار مقرون بصره بود.

در این برهه انگلیسیها به اختلاف‌افکنی بین شیوخ عرب و دولتهای منطقه دامن میزدند و از این رهگذر بر دامنه نفوذ خود در دو سوی سواحل خلیج فارس می‌افزودند. در پی این تحرکات و تحریکات، اقامتگاه نماینده سیاسی کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۰۰ م. به مسقط منتقل شد. مسقط نخستین امیرنشین عرب حاشیه خلیج فارس بود که نماینده سیاسی بریتانیا در آن مستقر میشد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۲).

دوره تثبیت سلطه‌گری بریتانیا در خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی خلیج فارس، آبراهه مهم و حیاتی بین بریتانیا و هند و نیز بعنوان سپر دفاعی هندوستان بشمار میرفت. مهمترین منافع این دولت تا پیش از کشف نفت در جنوب ایران عبارت بودند از:

خط کشتیرانی بریتانیا - هند؛ اداره پست و تلگراف انگلیس - هندوستان؛ خط کشتیرانی لینچ در رودخانه کارون؛ راهسازی و خط آهن در خوزستان.

2. Lord Palmerston(1784-1865)

1. Cape of Good Hope

خلیج فارس گسترش دهد. به همین دلیل قراردادهای گذشته را دوباره تمدید کرد و حفظ امنیت منطقه و حمایت از آنان را بر عهده گرفت.

بریتانیا برای تکمیل اقتدار خویش و نشان دادن سلطه خود به رقبا، در سال ۱۹۰۳ م، اقدام به برگزاری مانور بزرگی توسط لرد کرزن کرد. این مانور در واقع سفر باشکوه لرد کرزن، نایب السلطنه هندوستان به خلیج فارس بود که نقطه عطف حضور انگلیسیها در خلیج فارس بشمار میرفت. بدون شک هدف از این سفر یک نمایش قدرت در منطقه خلیج فارس بود و قصد داشت با قدرت‌نمایی ناوهای جنگی و نیز هدایای پادشاه بریتانیا، حاکمان منطقه را مطیع و مرعوب سازد.

وی در این سفر از اغلب شیخ‌نشینهای خلیج فارس و نیز بندرعباس و بوشهر بازدید کرد و در جمع شیوخ عرب در شارجه، سخنانی به زبان عربی ایراد کرد. طی این سخنان، لرد کرزن وظیفه اعراب و بریتانیا را حفظ آرامش و امنیت خلیج فارس دانست که به همت مردان دلیر انگلیسی ایجاد شده است (ویلسون، ۱۳۶۶: ۹۰).

بدنبال این نمایش قدرت، بریتانیا تصمیم گرفت با برخی رقبای خود بر سر منافع راهبردی به توافق برسد تا منافعی در خلیج فارس بطور کامل تأمین شود. عقد قرارداد بین این کشور و فرانسه در مورد به رسمیت شناختن سلطه فرانسه در مراکش و بریتانیا بر مصر و خلیج فارس، در سال ۱۹۰۴ م در اجرای همین سیاست بود. در سال ۱۹۰۷ م نیز بریتانیا کوشید، به رقیب دیگر خود روسیه نزدیک شود. طی قراردادی، دو رقیب توانستند در مورد مهمترین مناطق مورد اختلاف خویش یعنی تبت، افغانستان، ایران و عثمانی به توافق برسند (عزیزی، ۱۳۶۹: ۴۰۴).

نکته مهم دیگری که با پایان یافتن قرن نوزدهم مورد توجه قدرتهای جهانی قرار گرفت، کشف نفت در خوزستان بود که باعث افزایش اهمیت خلیج فارس شد. دولت ایران امتیاز کشف و

این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۸۵۷ م، در هندوستان علیه نفوذ روزافزون بریتانیا قیامی رخ داد که نهایتاً بریتانیا با زحمت فراوان توانست آن را سرکوب کند. اگرچه این قیام بریتانیا را با وحشت در هندوستان و نگرانی از سرایت آن به خلیج فارس مواجه ساخت؛ اما پایان خوشی را برای آن دولت به ارمغان آورد و آن انضمام هندوستان به خاک امپراتوری بریتانیا بود.

از آن پس مهمترین نگرانی بریتانیا، وجود رقبا بود و دولتمردان بریتانیایی باید برای این مشکل چاره‌جویی میکردند. بریتانیا با آنکه در خلیج فارس قدرت برتر محسوب میشد؛ ولی از دیگر رقبایش مشکلات بیشتری داشت. این مشکلات از دل نگرانیهای بریتانیا از اقدامات رقبایش در منطقه سرچشمه میگرفت که شامل اقدامات ترکان عثمانی و آلمانها در مورد کویت و راه‌آهن برلین - بغداد و نیز دخالت روسها در ایران و همچنین فعالیت مشترک روسیه و فرانسه در منطقه بود (همان: ۳۵۰-۳۵۱).

با این همه، در آستانه قرن بیستم میلادی از مهمترین وقایعی که باعث تحکیم نفوذ بریتانیا در خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم میلادی شد، انتصاب لرد کرزن، سیاستمدار معروف انگلیسی بود. وی از سال ۱۸۹۸ - ۱۹۰۵ م، نایب السلطنه هند و از سال ۱۹۱۸ - ۱۹۲۴ م نیز سمت وزارت امور خارجه را بر عهده داشت. در واقع تقویت نفوذ بریتانیا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، مدیون همت و تدبیر سیاستمداران انگلیسی نظیر کرزن بود. سیاست وی عبارت بود از حفظ منافع بریتانیا از طریق دور کردن رقبا و تبدیل خلیج فارس به یک آبراه انگلیسی. در راستای این سیاست، کرزن تنها نبود؛ بلکه سر پرسی کاکس^۲ و مردان دیگری نیز بودند که همگی در کسب اعتبار برای بریتانیا کوشیدند (پرتو، ۱۳۹۰: ۴۵۳).

در مقابل افزایش حضور و قدرت رقبایان در خلیج فارس، بریتانیا با تدبیر لرد کرزن کوشید روابط خود را با شیوخ عرب

1. Lord G. N. Curzon(1859.1925)
2. Sir Percy Cox (1864.1937)

- حسن‌نیا، محمد؛ قاسمیان، سلمان؛ «افول بندرعباسی، طلوع بوشهر در روابط سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در قرن هجدهم»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر سوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

- عزیزى، محسن؛ «مختصرى از سیاست دولتهای اروپایی در خلیج فارس با توجه به اسناد دیپلماسی»، مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

- کامرانی‌فر، احمد؛ «خلیج فارس از نگاه مسافران اروپایی روزگار صفویان»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

- مروتی، زهرا؛ «روسیه، آلمان و فرانسه در خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر سوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

- مؤمنی، فاطمه؛ «اهمیت بین‌المللی خلیج فارس در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

- وثوقی، محمد باقر؛ علل و عوامل جابجایی کانونهای تجاری در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.

- ویلسون، سر آرنولد؛ خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

استخراج نفت را در سال ۱۹۰۱ م. به ویلیام ناکس دارسی^۱ اعطا کرد. در سال ۱۹۰۸ م. پس از سالها حفاری، سرانجام در مسجد سلیمان، نفت به مقدار زیاد فوران کرد و بدین ترتیب استخراج و تولید تجاری آن آغاز شد و فصل جدیدی در حضور انگلیسیها در خلیج فارس گشوده شد (مؤمنی، ۱۳۹۰: ۲۸۸-۲۸۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه خلیج فارس، بعنوان آبراه بین شرق و غرب از دیرباز مورد توجه بیگانگان بود؛ ولی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، اهمیت سیاسی و نظامی نیز بر آن افزوده شد. در واقع اهمیت بین‌المللی خلیج فارس معلول حضور استعمارگران اروپایی، بویژه بریتانیا در این منطقه، بعلت حفظ منافع آن کشور در هند بود. با مروری بر تحولات خلیج فارس در دو قرن اخیر، در می‌یابیم که بریتانیا برای حفظ منافع خود در این منطقه از هیچ اقدامی فروگذار نکرده است و از یک‌طرف با برخورداری از مردانی سیاستمدار و با کفایت و از طرف دیگر به لطف بی‌تدبیری و وابستگی حاکمان منطقه، توانست نفوذ خود را در خلیج فارس تحکیم بخشد. به همین سبب در طول قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم، بریتانیا قدرت برتر منطقه بشمار میرفت.

منابع

- امین، عبدالامیر محمد؛ منافع انگلیسیها در خلیج فارس (تجاری-سیاسی) از ابتدا تا پایان قرن هجدهم (از آغاز ورود تا دوران کریمخان زند)، ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۷.

- پرتو، افشین؛ «پرسه سیاسی لرد کرزن در خلیج فارس در سال ۱۹۰۳ م.»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر سوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

- جعفری مذهب، محسن؛ «اقیانوس هند، دریاچه پرتغالی»، پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم)، به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

1. William Knox D'Arcy (1849-1917)